نفی اشتراک معنوی و لفظی وجود از خداوند متعال و تثبیت وجود اشاری

این سؤالات را عرض کردم از باب عرض حال یک طلبه؛ که برِ ما چنین گذشته است. ما کلاس می‌رفتیم، بنا‌ء هم نداشتیم همینطور مسامحه کنیم و بیخودی یک ایرادی بگیریم. بینی و بین اللّه، اینطور نبوده است. بلکه اصلاً یک مبانی آن چندین سال، مثل من طلبه را معطل کرد که آن را تحکیم کنیم و روی کرسی بنشانیم. باز می‌دیدیم بعد از چندین سال، سؤالات باقی مانده است. تا ذهن ما هم سراغ یک بدلی نرفته بود، حتی در این مباحثه هم مطرح نکرده بودم. مثلاً در مباحث وجود، تا آن تحلیل‌های پنج-شش‌گانه برای وجود، بدل آن ساختار و نظام معرفتی، برای من سر نرسیده بود، اصلاً مطرح نمی‌کردم. چرا؟؛ چون یک اشکالی بگویم و مطلبی که هست به هم بریزد و بدلی هم نداشته باشد، این عاقلانه نیست. اما گاهی است وقتی یک نظام بدل سر رسید، سؤالات را برای آن نظام معرفی می‌گوید و بعد می‌گوید حالا اینطور هم می‌توان رفت. به اندازه‌ای که گمان ما هست، سر می‌رسد، بروید ببینید کدام یک از اینها بیشتر مناسبت دارد؛ وجود اشاری و امثال آنکه مطالب مهمی می‌شد. وجود مشترک معنوی است یا لفظی؟ در خداوند متعال نه مشترک لفظی است و نه معنوی. خُب، این حرفی است که خیلی تفاوت می‌کند. می‌گوید مگر ممکن است ثالث داشته باشد؟! قبلاً صحبتش شد. من گمانم این بود که در این فضا، وجود نه مشترک معنوی است و نه مشترک لفظی. بیان خاص خودش را داشت که متعدد از آن صحبت شد.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:53:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 فوریه 2024 14:41:07 توسط ... .